

العقائد والأحكام

عقائد و احكام

وتشمل:

که موارد زیر را شامل می شود:

العقائد الصحيحة:

عقائد صحیح:

الإيمان بوجود خالق وتوحيده، والتصديق بأنبيائه ورسله وأوصيائهم ، والعدل والقضاء والقدر والبداء والجنة والنار، وعصمة خلفاء الله في أرضه ، والملائكة والغيب وكل ما أخبر به الأنبياء والمرسلون وأوصياؤهم ، ومالنا إلا التمسك بأذيالهم والافتداء بآثارهم، قال تعالى: (إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ) [90].

ایمان به وجود خالق و یکتا شمردن او (توحید)، اعتراف و تصدیق فرستادگان خدا و اوصیا و جانشینان ایشان (علیهم السلام)، و همچنین به عدل، قضا و قدر، بدا، بهشت و دوزخ و عصمت خلفا و جانشینان خداوند در زمینش، و همچنین تصدیق ملائکه، عالم غیب و همه‌ی آنچه انبیا و فرستادگان و اوصیای آنها (علیهم السلام) بیان فرموده‌اند، و ما چاره‌ای نداریم جز تمسک به دنباله‌ها و اعقاب ایشان و اقتدا به آثار و بقایای آنها (علیهم السلام).
حق تعالی می فرماید: (اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد) [91].

وعن زرارة، قال: سئل أبو عبد الله (ع) من بدء النسل من آدم كيف كان، وعند بدء النسل من ذرية آدم، فإن أناساً عندنا يقولون: إن الله عز وجل أوحى إلى آدم أن يزوج بناته ببنيه، وأن هذا الخلق كله أصله من الأخوة والأخوات.

از زراره روایت شده است: از ابو عبد الله امام صادق (ع) سؤال شد: «پیدایش نسل از آدم (ع) چگونه بود و نیز کیفیت تولید نسل از ذریه‌ی حضرت آدم (ع) به چه نحو صورت پذیرفت؟» سپس سؤال‌کننده گفت: «گروهی از مردم به می‌گویند خداوند عزوجل به آدم وحی فرمود دخترانش را به نکاح پسران خود در آورد و تمامی این مخلوقات در اصل از ازدواج خواهران و برادران می‌باشند. آیا این سخن صحیح است یا نه؟»

فقال أبو عبد الله (ع): (تعالی الله عن ذلك علواً كبيراً، يقول: من قال هذا ... بأنّ الله عز وجل خلق صفوة خلقه وأحبائه وأنبياءه ورسله والمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات من حرام؟!!!! ولم يكن له من القدرة ما يخلقهم من حلال!!!) وقد أخذ ميثاقهم على الحلال الطهر الطاهر الطيب، فوالله لقد تبينت أن بعض البهائم نُكرت له أخته، فلما نزا عليها ونزل كُشف له عنها، فلما علم أنها أخته أخرج عزموله ثم قبض عليه بأسنانه حتى قطعه فخر ميتاً. وآخر نُكرت له أمه ففعل هذا بعينه فكيف الإنسان في أنسيته وفضله وعلمه، غير أن جيلاً من هذا الخلق - الذي ترون - رغبوا عن علم أهل بيوتات أنبيائهم، وأخذوا من حيث لم يأمرُوا بأخذه، فصاروا إلى ما ترون من الضلال والجهل بالعلم، كيف كانت الأشياء الماضية من بدء أن خلق الله ما خلق، وما هو كائن أبداً.

امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند منزّه و مبرّا از این گفتار است. کسی که چنین سخنی می‌گوید... در واقع می‌گوید حق عزوجل برگزیدگان از مخلوقات، دوستانش، انبیایش، فرستادگانش، مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را از حرام آفریده است و قدرت نداشته که آنها را از حلال خلق کند؟! با اینکه عهد و پیمان بسته و براساس آن ملزم شده است که خلق را از راه حلال ایجاد نماید و ایشان را پاک و پاکیزه و طیب و منزّه از هر آلودگی بیافریند! به خدا سوگند برایم نقل کردند چهارپایی به اشتباه روی خواهرش جست و پس از آنکه پایین آمد و معلوم شد او خواهرش بوده است، ذکر خود

را بیرون آورد و با دندان‌هایش آن را گرفت و فشرده تا قطع نمود، سپس افتاد و مرد. و از چهارپای دیگری به من خبر دادند که به اشتباه با مادرش جمع شد و پس از معلوم شدن، آن حیوان نیز همان کرد که چهارپای مذکور انجام داده بود. وقتی حیوانات چنین باشند، انسان که واجد فضایل و علم و کمال است این طور نباشد؟! منتهی چنانچه می‌بینید گروهی از مردم روی از علم و دانش اهل بیت پیامبران خود برتافته و به کارهایی که به آن امر نشده‌اند پرداخته‌اند و با ارتکاب آن به ضلالت و گمراهی کشیده می‌شوند و با انجام اعمال شنیع و قبیح به انحطاط می‌گرایند و این انحراف از بدو پیدایش مخلوقات تا الآن ادامه داشته است و تا ابد نیز خواهد بود».

ثم قال: ويح هؤلاء أين هم عما لم يختلف فيه فقهاء أهل الحجاز ولا فقهاء أهل العراق، أن الله عز وجل أمر القلم فجري على اللوح المحفوظ بما هو كائن إلى يوم القيامة قبل خلق آدم بألفي عام، وأن كُتب الله كلها فيما جرى فيه القلم في كلها تحريم الأخوات على الأخوة مع ما حرم. وهذا نحن قد نرى هذه الكتب الأربعة المشهورة في هذا العالم: التوراة والإنجيل والزبور والفرقان، أنزلها الله عن اللوح المحفوظ على رسله منها التوراة على موسى، والزبور على داود، والإنجيل على عيسى، والقرآن على محمد، وعلى النبيين وليس فيها تحليل شيء من ذلك حقاً. أقول ما أراد من يقول هذا وشبهه إلا تقوية حجج المجوس، فما لهم قاتلهم الله... ([92]).

سپس فرمودند: «وای بر اینان که اعتقادشان چنین است. ایشان چقدر بی‌خبرند از آنچه را که نه فقهای حجاز و نه فقهای عراق با هم در آن اختلافی ندارند. خداوند عزوجل دو هزار سال پیش از آفرینش آدم به قلم امر فرمود و آن بر لوح محفوظ جاری شد و حکم تحریم خواهران بر برادران و محرمات دیگر را تا روز قیامت ثبت و ضبط نمود. ما مشاهده می‌کنیم این کتب چهارگانه‌ی آسمانی مشهور در این عالم را که عبارتند از تورات، انجیل، زبور و فرقان، خداوند متعال مطالب لوح محفوظ را در این کتاب‌ها نهاد و آنها را بر انبیا و

فرستادگانش - که سلام و صلوات خداوند بر همگی شان باد - نازل فرمود.
تورات را بر موسی (ع)، زبور را بر داوود (ع)، انجیل را بر عیسی (ع) و قرآن را
بر حضرت محمد (ص) و در هیچ یک از این کتب آنچه را که در لوح محفوظ
حرام نموده، حلال قرار نداده است. شایسته و سزاوار است که بگویم: کسی که
این مطالب و مانند آن را ایراد کرده، صرفاً قصدش تقویت حجج و براهین
مجوس می باشد. چه می شود ایشان را، خدا هلاکشان گرداند...» [93].

فالحمد لله الذي فضحهم وأخزاهم بجهلهم وعنادهم للصادقين من آل محمد حيث
جعلوا الأنبياء أولاد زنا، حاشاهم عن ذلك فسود الله وجه كل من تصدى أمام
الصادقين من آل محمد، وادعى أنه يعلم بسنة الرسول وبمحكم الكتاب ومتشابهه،
ونصب نفسه إماماً يدعو إلى النار في أمور الدين، كما فعل الأمويون والعباسيون
ومن تبعهم في أمور الدنيا ولم يبق عذر اليوم لأتباعهم إلا العناد والتكبر، وإلا أن
يقولوا عنزة ولو طارت!

سپاس خدایی را که رسوایشان ساخت و به واسطه‌ی نادانی و دشمنی که با
صادقان آل محمد (ص) داشتند خوارشان نمود، آنگاه که پیامبران را اولاد زنا
قرار دادند؛ و چه دور است این نسبت پلید از آن پاکان و برگزیدگان! خداوند
سیاه گرداند روی همه‌ی آنهایی را که در برابر صادقان از آل محمد (ص) برای
خود جایگاهی قرار دادند و ادعای آگاهی از سنت پیامبر و محکمت و
متشابهات قرآن را نمودند و خود را امامان و پیشوایانی قرار دادند که مردم را به
سوی آتش رهنمون می سازند؛ چنانکه بنی امیه و بنی العباس و پیروان آنها در
امور این دنیا چنین کردند و امروز برای پیروی از آنان هیچ عذر و بهانه‌ای وجود
ندارد مگر سرکشی و تکبر، و بهانه‌هایی پوچ و بی معنی که بر زبان می رانند!

وعمدة العقائد التي يجب الإيمان بها هي ما جاءت في آخر سورة البقرة، وهي
التي آمن بها النبي، وهي:

مهم‌ترین عقایدی که ایمان داشتن به آنها واجب است همانی است که در انتهای سوره‌ی بقره آمده؛ همان که پیامبر اکرم (ص) به آن ایمان داشت؛ یعنی:

الایمان بالله وبالملائكة وبالكتب السماوية وبالرسل، سواء كانوا أنبياء أو أوصياء أو أي مرسل من الله سبحانه، حتى ولو كان مرسل للقيادة الدنيوية فقط كطالوت (ع).

ایمان به خداوند، ملائکه، کتاب‌های آسمانی و فرستادگان؛ چه پیامبر باشند و چه جانشینان پیامبر و اوصیای آنها؛ یعنی هر فرستاده‌ای از سوی خداوند سبحان؛ حتی اگر همانند طالوت (ع) فقط برای امور دنیوی فرستاده شده باشد!

فعلى كل مسلم أن يؤمن بالله الواحد الأحد الفرد الصمد، وأن يؤمن بنبوته محمد، وأن يؤمن بالملائكة والكتب والأنبياء السابقين وأوصيائهم وشرائعهم، وأن يحترمها وإن نسخت؛ لأنها كانت شريعة الله في يوم من الأيام على هذه الأرض. وعلى المسلم أن يؤمن بأوصياء النبي محمد الاثني عشر، وأن يقبل كل ما صح من الأخبار عنهم، كما على المسلم أن يؤمن أن الوصي الثاني عشر من أوصياء محمد هو الإمام محمد بن الحسن المهدي (ع)، وهو حي يرزق إلى اليوم وسيقوم بالسيف كما قام جدّه، وعلى المسلم موالاته والنصح له، وتقديمه على النفس والمال والولد، والعمل لإعلاء كلمته وإظهار أمره ومظلوميته، والتهيئة لدولته (ع)، ومعاداة عدوه من أئمة الجور المتسلطين على هذه الأمة، وأعاونهم وجنودهم الكافرين الخارجين من ولاية الله إلى ولاية إبليس (اللعين). وعلى المؤمن أن لا يخشى عددهم وعدتهم.

بر هر مسلمانی واجب است که به خداوند یکتای بی‌همتای یگانه‌ی بی‌نیاز ایمان آورد. همچنین به نبوت (ص)، و به ملائکه، کتاب‌ها، انبیای پیشین، و اوصیا و شرایع و دستورات آنها ایمان آورد و آنها را محترم بشمارد، حتی اگر منسوخ شده باشند؛ چرا که روزی روزگاری شریعت و آیین الهی بر این زمین محسوب می‌شده‌اند. بر مسلمان واجب است که به جانشینان دوازده‌گانه‌ی حضرت محمد (علیهم السلام) ایمان داشته باشد و تمامی اخبار صحیحی که

از ایشان (علیهم السلام) رسیده است را پذیرا باشد. همچنین مسلمان باید ایمان داشته باشد که جانشین دوازدهم از اوصیای حضرت محمد (ص)، امام محمد بن الحسن مهدی (ع) است و اینکه او زنده‌ای است که تا به امروز روزی می‌خورد و همچون جدش (ص) با شمشیر قیام خواهد نمود. بر مسلمان واجب است که وی را یاری دهد و در موردش اندیشه‌ی خیر داشته باشد، او را بر جان و مال و اولاد خود مقدم بدارد، و در راه بلندای نام او و آشکارسازی امرش و مظلومیتش و زمینه‌سازی حکومت او (ع) فعالیت نماید، و همچنین باید با دشمنان وی از پیشوایان ستمگری که بر این امت مسلط شده‌اند و اعوان و انصار و لشکریان کافرشان که از ولایت خداوند به سوی ولایت ابلیس لعنت الله خارج شده‌اند، دشمنی ورزد؛ و بر مؤمن است که از عِدّه و عِدّه‌ی آنها نهراسد.

قال تعالی: (وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرَنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ * فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاَهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ * فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) [94].

حق تعالی می‌فرماید: (آنها حيله‌ای اندیشیده‌اند، ما نیز حيله‌ای اندیشیده‌ایم؛ در حالی که آنان خود، نمی‌فهمند * پس بنگر که عاقبت مکرشان چه شد: ما آنها و قومشان را جملگی هلاک کردیم، * آن خانه‌های آنها است که به کیفر ظلمی که می‌کردند خالی افتاده است؛ قطعاً در این، آنان را که می‌دانند عبرتی است) [95].

[\[92\]](#) - علل الشرائع: ج 1 ص 19.

[\[93\]](#) - علل الشرائع: ج 1 ص 19.

[\[94\]](#) - النمل: 50 - 52.

[\[95\]](#) - نمل: 50 تا 52.